

دو فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۱۰، ش ۱ (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۸

واکاوی و شناخت زبان بلاغی مشترک در بررسی تطبیقی ادبیات کودکان امریکا و ایران

(مطالعه موردی: آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی)

دکتر محمود فیروزی‌مقدم

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

چکیده

ادبیات کودکان امریکا از ادبیات اروپا بهره برده، اما در پی تحولات سیاسی و اجتماعی و در گذر زمان راه خود را یافته است. در نگاهی به این ادبیات انگلیسی‌امریکایی و ادبیات کودکان فارسی زبان ایران از منظر ادبیات تطبیقی می‌توان در سطوح مختلف زبان شناختی، ادبی، هنری، فکری و فرهنگی، مشترکاتی یافت که به موجب آن امکان بررسی و طبقه‌بندی آثار کودکان و در نهایت شناخت ویژگی‌های ادبیات جهانی کودک فراهم می‌شود. این پژوهش به منظور اثبات این فرضیه که ادبیات کودکان جهان شمول است و شاخصه‌های سبکی مشترکی در آثار ادبی کودکان در نقاط مختلف جهان دیده می‌شود، تلاش کرده است تا از طریق بررسی آثار دو نویسنده برجسته از دو حوزه زبانی انگلیسی‌امریکایی و فارسی ایرانی به شناخت ویژگی‌های مشترک ادبیات کودکان در دو سرزمین ایران و امریکا پی ببرد. پس با تکیه بر ادبیات تطبیقی کودکان و بر پایه مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی، با روش کتابخانه‌ای و رویکردی تحلیلی توصیفی آثار مارک تواین، نویسنده‌ی امریکایی و هوشنگ مرادی کرمانی از نویسندگان برجسته‌ی ایرانی را در سه سطح زبانی، فکری و ادبی، به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی کودکان، هوشنگ مرادی کرمانی، مارک تواین، نقد ادبی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۵

Email: firouzimoghaddam@gmail.com

۱- مقدمه

قرن بیستم را قرن کودک نام گذاشتند، اما شش دهه گذشت و از دهه هفتم این قرن بود که نقد ادبیات کودک با نظریه گره خورد و از آن پس نقد و نظریه در این حوزه معنایی یکسان یافتند. پژوهش‌های نظری متنوعی با گرایش‌های مختلف ساخت‌گرایانه، روانکاوانه یا جامعه‌شناسانه شکل گرفتند؛ پژوهش‌هایی عالمانه که به تبیین مسائل علمی پرداختند و نقد را در معنای ارزیابی به کار نمی‌بردند و هدفشان تمایز خوب از بد نبود. در همین دهه، نسل جدیدی از نهادها در ادبیات کودکان جهان شکل گرفتند و ادبیات کودکان در رشته‌های دانشگاهی جایگاه محکم‌تری پیدا کرد و امکان انباشت علمی و آکادمیک فراهم گردید و پیوند نقد و نظریه محکم‌تر شد. بیست سال بعد، در دهه نهم قرن بیستم، نهادهای بین‌المللی مهمی در ادبیات کودکان شکل گرفتند و با شهرت پیدا کردن آثار تاریخی پتر هانت (Peter Hunt) و ژاکلین رز (Jacqueline Rose) و انتشار آثاری متأثر از مکاتب انتقادی نظیر کتاب‌های پری نودلمن (Perry Nodelman)، جان استفان (John Stephen)، امر اُسولیان (Emer o'sullivan) و ... این دهه به دوره طلایی پژوهش در باره ادبیات کودکان بدل شد. بیشتر آثار کلاسیک این حوزه در دهه ۱۹۹۰ و به خصوص در سال‌های آغازین این دهه نوشته شده‌اند. در این زمان بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی و به طور خاص، مطالعات ادبی و فرهنگی اهمیتی ویژه پیدا کرد و رشد رشته‌های انتقادی مطالعات ادبی و فرهنگی، شیوع شیوه‌های نقد پسا استعماری و دیگر نقدهای گفتمانی در ادبیات، مطالعه فرهنگ و جدی شدن مباحثی چون پست‌مدرنیسم، جهانی شدن و چندفرهنگی شدن به سرعت در نقد و نظریه‌های جدید ادبیات کودکان بازتاب یافت و حوزه‌ای به نام ادبیات تطبیقی کودکان نیز جا و جایگاهی پیدا کرد. در ایران شرایط تفاوت داشت و تا همین اواخر نیز با رویکردی روانشناسانه و مبتنی بر آموزه‌های تربیتی به آثار ادبی کودکان و نوجوانان می‌نگریستند. در هر حال با چند دهه تاخیر، جای بسی خرسندی است که نظریه پردازان مختلفی از میان ملت‌های جهان، در باره ادبیات کودکان سخن گفته‌اند و نظریه برخی از این افراد توانسته است در ایران نیز، مبنای نقد، تحلیل، ارزیابی و مطالعات ارزشمند دیگری در این حوزه قرار گیرد.

۱-۱- پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق: این پژوهش تلاش می‌کند به تحلیل و بررسی آثار ادبی کودکان و نوجوانان در ایران و آمریکا بپردازد؛ به این منظور با نگاهی به مکتب‌های شناخته شده ادبیات تطبیقی و بهره‌گیری از منابع علمی و پژوهشی مرتبط با این موضوع، به بررسی نمونه‌هایی از آثار ادبی کودکان و نوجوانان پرداخته است و می‌کوشد با بررسی سه سطح زبانی، فکری و ادبی، مشترکات آن‌ها را کشف نماید و چگونگی رسیدن به ادبیات جهانی از طریق ادبیات تطبیقی کودکان را مرور کند. می‌خواهیم بدانیم در ادبیات

کودکان انگلیسی- امریکایی و ادبیات کودکان فارسی ایرانی چه ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی مشترکی وجود دارد؟ به این منظور پژوهش حاضر، با بررسی آثار دو نویسنده شناخته شده در ادبیات کودکان به جست و جوی آن است که دریابد آیا در آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی شاخصه‌های سبکی مشترکی وجود دارد که ما را به یافتن الگویی برای تحلیل و شناخت بهتر آثار ادبی کودکان هدایت کند و باعث کشف یک زبان بلاغی مشترک در ادبیات جهانی کودکان شود؟ ویژگی‌های هر زبان امکانات خاصی در اختیار نویسندگان آن زبان قرار می‌دهد و هر نویسنده‌ای با بهره‌گیری از این امکانات و با تکیه بر توانش زبانی خود به انتقال اندیشه‌اش می‌پردازد؛ به این ترتیب بدیهی است که نویسندگان آشنا با زبان مخاطب می‌توانند بهتر و دقیق‌تر به انتقال اندیشه خود بپردازند و ارتباط بهتری با مخاطب ایجاد نمایند. پژوهش پیش رو بر این فرضیه استوار است که سه سطح زبانی، ادبی و فکری به عنوان لایه‌های سبکی سنتی، ما را در شناخت و تحلیل آثار ادبی کمک می‌کند و برای درک عناصر و اجزای مختلف داستانی، شخصیت‌ها، روابط قهرمان با شخصیت‌های قصه و رازهای مشترک نهفته در داستان‌ها و سایر متون نوشتاری ادبی کمک خواهد کرد. در تحلیل متون مورد مطالعه، ادبیات تطبیقی نیز مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. ادبیات تطبیقی مکتب فرانسوی به تاریخ ادبیات و تاثیر و تاثر نگاه ویژه‌ای دارد اما مکتب امریکایی خود را محدود نمی‌کند و فراتر از مقایسه دو یا چند اثر با انگیزه‌ی رابطه تاریخی یا تاثیر و تاثر عمل می‌کند. در مکتب امریکایی عناصر مطرح در زیبایی شناسی، ساختار و هر شناسه‌ای که نشان از پیوند مشترکی در آثار ادبی و هنری داشته باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ لذا این پژوهش با پشتوانه نظری مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی به کشف رابطه زبانی و فکری همگون در آثار ادبی کودکان امریکایی و کودکان ایرانی می‌پردازد و شاخصه‌های ادبی موجود در آن‌ها را بر اساس این رابطه‌ی مشترک می‌جوید.

۱-۲- پیشینه و روش پژوهش: این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکردی تحلیلی-

توصیفی و با نگاهی به نظریه‌های شناخته شده ادبیات تطبیقی به بررسی نمونه‌هایی از آثار ادبی کودکان و نوجوانان در ایران و امریکا پرداخته است. تاریخ ادبیات، نقد ادبی و ادبیات تطبیقی در پی هم آمده‌اند تا بررسی آثار ادبی دقیق‌تر و علمی‌تر انجام شود و شناخت تفکرات ملت‌ها و چگونگی رشد و تعالی اندیشه بهتر شناخته شود. در جست و جوی نگارنده برای شناخت و تحلیل تطبیقی آثار مارک تواین و مرادی کرمانی با توجه به معیارهای مطرح سبک شناختی، تحقیق مستقلی مشاهده نشد اما منابع ارزشمندی در باره هر یک از واژگان کلیدی این عنوان پژوهشی وجود دارد. کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی در باره‌ی هوشنگ مرادی کرمانی و معرفی آثارش نگاشته شده است. مقالاتی همچون

«بررسی تکنیک‌های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» (سعید حسام پور و همکاران، مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰: ۶۱)؛ «بررسی قصه‌های مجید هوشنگ مرادی کرمانی از منظر تربیتی و اجتماعی» (لیلا هاشمیان و مه‌سا رجبی همدانی، فصل‌نامه ادب و عرفان، ۱۳۹۰: ۱۱)؛ «تحلیل روانشناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه اریکسون» (رامین محرمی و همکاران، مجله ادب پژوهی، شماره پانزدهم، ۱۳۹۰: ۱۲۱)؛ «تحلیل و بررسی ترجمه نشانه‌های فرهنگی در داستان مهمان مامان از هوشنگ مرادی کرمانی» (مرضیه اظهاری نیک عزم و مینا بلوکات، فصل‌نامه مطالعات زبان و ترجمه، شماره یکم، ۱۳۹۲: ۱۳۳)؛ «بررسی چگونگی تقابل فرهنگ‌ها در ترجمه گفتار تعارف آمیز با تاکید بر ترجمه فرانسوی داستان مهمان مامان از هوشنگ مرادی کرمانی» (فریده علوی و سویل زینالی، فصل‌نامه علمی پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال ششم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳)؛ در بارهٔ مارک تواین و آثارش نیز به صورت پراکنده مطالبی موجود است، به عنوان نمونه، مقاله «بررسی و تحلیل خشونت در داستان‌های هوشنگ مرادی و مارک تواین» (شهناز نقدی و آسیه ذبیح نیا عمران، مجموعه مقاله‌های دومین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ۴-۶ شهریور ۱۳۹۴) به نکته‌های اجتماعی، تربیتی و اخلاقی می‌پردازد و مقاله «ارزیابی و مقایسهٔ ترجمه‌های فارسی رمان شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس» (ناصر رشیدی، دو فصل‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۵۷) که به ارزش زبانی و اهمیت واژه‌گزینی در متن اشاره می‌کند. در باره دو نویسنده مذکور مقالات و مصاحبه‌های دیگری نیز در مجلات آمده است. همچنین در باره سبک شناسی کتاب گرانمایه «سبک شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» (محمود فتوحی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۱) بسیار راهگشاست. کتاب‌های «درآمدی بر سبک شناسی ساختار» از دکتر محمد تقی غیاثی (انتشارات شعله اندیشه، تهران، ۱۳۶۸) و «کلیات سبک شناسی» از دکتر سیروس شمیس (انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳) و مقالات متعددی که در این باره وجود دارد نیز مورد توجه است. کتاب‌های متعددی نیز درباره ادبیات تطبیقی نوشته شده است. غنیمی هلال کتاب «ادبیات تطبیقی» (الادب المقارن) را نوشته که توسط سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی ترجمه شده و توسط انتشارات امیرکبیر در ۶۸۹ صفحه در سال ۱۳۷۳ در تهران به چاپ رسیده است. غنیمی هلال ادبیات تطبیقی را بررسی روابط ادبیات ملی در خارج از مرزهای زبان آن ملت و مطالعه ارتباط تاریخی میان آن‌ها تعریف نموده و پژوهش‌های تطبیقی خود را بر اساس این اصول بنیان نهاده

است. اودر تالیف این کتاب از استادان فرانسوی اش اثر پذیرفته است. بنا بر نوشته‌های او ادبیات تطبیقی مکمل تاریخ ادبیات و اساس نوین و استوار نقد ادبی است. برای درک تاریخ ادبیات و نقد نوین ادبی، ادبیات تطبیقی عنصری اساسی است؛ زیرا به کشف ریشه جریان‌های فکری و فنی در ادبیات ملی می‌پردازد. ضرورت روند تکاملی ادبیات ملی تلاقی با ادبیات جهانی است که در تعالی اندیشه‌های انسانی و ملی با یکدیگر همکاری می‌کنند. کتاب «درآمدی بر مطالعات ادبیات تطبیقی» از زیگبرت سالمن پراور، انتشارات سمت، ترجمه علی رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی که در آذرماه ۱۳۹۶ چاپ شده است نیز پشوانه ارزشمندی در مطالعات ادبی تطبیقی محسوب می‌شود. منابع مختلف لاتین شامل مقالات و کتاب‌های معتبر نیز وجود دارد که در این پژوهش به آن‌ها توجه شده است.

۲- بحث و بررسی

نقد، بررسی و تحلیل آثار ادبی به طرق مختلفی صورت می‌گیرد و با شیوه‌های گوناگون نقد، می‌توان به شناخت و درک دقیق تر متون ادبی دست یافت. ادبیات تطبیقی نیز برای نزدیک کردن ساکنان کره خاکی به یکدیگر می‌کوشد با استفاده از انواع نظریه‌ها و مبانی سبک شناسانه به کشف اندیشه‌های مشترک بشری نائل شود. درک معنا و تحلیل کلام پیچیده در ترفندهای مختلف بلاغی و ادبی، نیازمند دانش‌های مختلفی از جمله زبان‌شناسی است. هر اثر ادبی می‌تواند در سطوح مختلف زبانی مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- سطح زبانی:

زبان به عنوان پدیده‌ای ذهنی و پویا شناخته می‌شود که مدام در حال تحول و تکامل است و بررسی آثار ادبی از منظر زبان مبتنی بر مطالعات گسترده و عمیق این آثار خواهد بود. سطح زبانی خود شامل سه لایه آوایی، واژگانی و نحوی است که در ساختار متن می‌توانند نقش عمده ای ایفا کنند و هر یک از این لایه ها تعیین کننده سبک غالب نویسنده است؛ به عبارت دیگر با تمرکز بر هر یک از این سه لایه، می‌توان به تفکر غالب نویسنده و سبک او دست یافت. یکی از لایه های زبانی که اهمیت بیشتری دارد و می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، لایه نحوی است که نوعی از سبک شناسی را پدید می‌آورد. «در سبک شناسی نحوی، نحوه همنشینی واژگان و نظم ساختار دستوری آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این نوع سبک شناسی چگونگی قرار گرفتن واژگان در جمله، طول جمله‌ها از منظر بلندی و کوتاهی، ساختمان جمله‌ها به لحاظ ساده یا مرکب بودن، وجه جمله‌ها و زمان دستوری آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد به علاوه صدای دستوری از دیگر مواردی است که در شناسایی سبک نحوی متون ادبی و غیرادبی مؤثر است. منظور از این مقوله نحوی

رابطه‌ی میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت کنندگان در فرایند فعلی (فاعل، مفعول و...) است که رابطه‌ی میان سبک و اندیشه‌ی نویسنده را نشان می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۸). با وجود این تلاش شده است با بررسی تطبیقی همه لایه‌های سطح زبانی آثار ادبی کودکان انگلیسی- امریکایی و فارسی زبان ایرانی به برخی مشترکات این آثار دست یافت.

۲-۱-۱- ویژگی‌های آوایی

سیروس شمیسا می‌نویسد: «به سطح آوایی می‌توان سطح موسیقایی (Musical) متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی‌آفرین بررسی می‌کنیم.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳). به این ترتیب انواع تکرار، به کار بردن انواع جناس‌ها و کلمات هم‌آوا را می‌توان در این سطح بررسی نمود.

وقتی در بررسی آثار ادبی کودکان و نوجوانان دو سرزمین به کاربرد مشترکی در آواها برخورد کنیم می‌توانیم تا حدودی نگرش تطبیق‌گران مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی را بپذیریم و سهم هر ملتی را در ادبیات جهان درک کنیم. کودکان و نوجوانان در هر دوره‌ای توانایی زبانی خاصی دارند و ضرورت دارد آثاری که برای آن‌ها عرضه می‌شود با توانایی آن‌ها تناسب داشته باشد. بنابراین در این پژوهش، به جهت مطالعه موردی آثار مارک تواین و مرادی کرمانی که به گروه سنی نوجوان تعلق دارد، به بررسی و مقایسه آثار نوجوانان ادبیات امریکا و ایران پرداخته شده است. برخی از ویژگی‌های آوایی مشاهده شده عبارتند از: تکرار واج، تکواژ یا واژه

تکرار عاملی برای ایجاد موسیقی در کلام است. به عنوان نمونه در ماجراهای تام سایر می‌خوانیم:

خوب گرفتمت! چرا خودم فکر گنجه نیفتادم؟ توی گنجه چه کار می کردی ؟ (تکرار واج «گ» و واژه «گنجه»)
هیچ کار

هیچ کار؟ ها؟ دستاتو نگاه کن! دهن‌تو نگاه کن! اون چیه به دهن‌ت چسبیده؟ (تکرار واج «ه» و عبارت‌های «هیچ کار»، «نگاه کن»، «دهن») (تواین، ۱۳۸۲: ص ۲)

در متن انگلیسی تام سایر هم می‌توان تکرارهایی که موجب ایجاد موسیقی شده است را دید. تکرار عبارت‌ها و واژه‌های «Get away»، «You are»، «well ; will» و «Go' away» یا «I won't» و حتی برخی از صداها که در متن زیر می‌بینید.

Say — if you give me much more of your sass I'll

'take and bounce a rock off'n your head.'

‘Oh, of COURSE you will’

‘Well I WILL.’

Well why don’t you DO it then? What do you keep’

SAYING you will for? Why don’t you DO it? It’s

‘.because you’re afraid

‘.I AIN’T afraid’

‘.You are’

‘.I ain’t’

‘.You are’

Another pause, and more eying and sidling around

each other. Presently they were shoulder to shoulder. Tom

:said

‘!Get away from here’

‘!Go away yourself’

‘.I won’t’

‘.I won’t either’

So they stood, each with a foot placed at an angle as a

brace, and both shoving with might and main, and

glowering at each other with hate. But neither could get

an advantage. After struggling till both were hot and

flushed, each relaxed his strain with watchful caution, and

Tom said:(Twine, 1879:9)

و در قصه های مجید آمده است:

خودم را به خواب زدم. بی‌بی آمد تو اتاق، قُر می زد: حیف که خوابی، دلم نمی آد تو خواب بزنت... حالا چیزی زهرمار کردی یا نه؟

شستش خبردار شده بود که من بیدارم. ولی خودش را زده بود به آن راه... (تکرار واج «خ» و واژه «خواب») (مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ص ۸۹)

آهنگ کلمات و جمله‌ها به وسیله‌ی واحدهای زبر زنجیری زبان

واحدهای زبر زنجیری زبان یعنی آهنگ، مکث و تکیه تقریباً به گونه‌ای مشابه در

هر دو گروه مورد مطالعه دیده می‌شود. پرسش، تعجب و یا مکث به معنای تاکید و ... به

وسیله‌ی آهنگ کلام، در نمونه‌های زیر گواه این ادعاست. مارک تواین می‌نویسد:

There was a slight noise behind her and she turned just in time to seize a small boy
by the slack of his roundabout and arrest his flight.

“There! I might ‘a’ thought of that closet. What you been doing in there?”

“Nothing.”

“Nothing! Look at your hands. And look at your mouth. What is that truck?”

“I don’t know, aunt”

Well, I know. It’s jam—that’s what it is. Forty times I’ve said if you didn’t let that jam”

“alone I’d skin you. Hand me that switch

The switch hovered in the air—the peril was desperate—

“!My! Look behind you, aunt”

The old lady whirled round, and snatched her skirts out of danger. The lad fled on the
.instant, scrambled up the high board-fence, and disappeared over it.

(Twine: 1879: 2 – 3)

در ترجمه فارسی آن پرویز داریوش چنین نوشته است:

صدای خفیفی از پشت سر به گوشش خورد و درست به موقع رویش را برگرداند و
پسر بچه ای را که می خواست در برود از بند شلوارش گرفت.

خوب گرفتمت! چرا خودم فکر گنجه نیفتادم؟ توی گنجه چه کار می کردی؟
هیچ کار...!

هیچ کار؟ ... ها؟... دستاتو نگاه کن! دهنتو نگاه کن! اون چیه به دهنت چسبیده؟
خاله جون ...! من چه می دونم؟

خودم می دونم چیه! مرباست. فهمیدی؟ چل دفعه بهت گفتم اگه بری سر این مرباها
پوست از سرت می کنم. نگفتم؟ اون ترکه رو بده به من.

ترکه در هوا درنگی کرد. خطر واقعی بود.

وای خاله جان... اون جا رو بیا!

پیرزن به سرعت پیچید و دامنش را از چنگ خطر خیالی بیرون کشید. پسرک در دم
گریخت. از نرده‌ی بلند چوبی خودش را بالا کشید و بالای آن از دیده پنهان شد.

خاله جان پولی لحظه‌ای مبهوت به جا موند و بعد آرام به خنده افتاد:

وای از دست این بچه! مگه من هیچ وقت چیزی یاد می گیرم؟ (تواین، ۱۳۸۲: ۲)

در قصه های مجید نیز آمده است:

انگار کن پسر خودته، کاری کن بدون دوچرخه از اینجا نره. و بیست و پنج تومن را گذاشت تو دستش. کارمان شد دنبال آقا رضا دلال رفتن، گله به گله وا می‌ایستاد و حرف می‌زد و معامله جوش می‌داد و از دو طرف معامله پولی می‌گرفت و می‌گذاشت تو جیبش، و ما با دل لرزان و چشم‌های نگران دنبال او و بیست و پنج تومانمان می‌رفتیم. تا این که رضا دلال چشمش به جوانک کوتاه و زردنبو و لاغری افتاد که سرو لباسش غرق گل و گچ بود و به دو چرخه قراضه‌ای تکیه داده بود. جلو رفت و پرسید: چرخت رو می‌فروشی؟

بله، آوردم که بفروشم.
آغ‌رضادلال دوچرخه را گرفت و زیرش و بالاش را نگاه کرد و سبک و سنگینش کرد و گفت: چندن؟

سی و پنج تومان
آغ‌رضا، کشیدش کنار و زیر گوشش پچ پچ کرد و به دوچرخه اشاره ای کرد، که نفهمیدیم چه گفت. بعد آمد پیش ما، و بنا کرد به تعریف از دوچرخه و قرص و محکم بودنش و صاف و سالم بودن فروشنده، تا توانست پنج تومن دیگر از جیب بی‌بی بیرون بکشد. بعد، دوچرخه را داد دست من، تا دور میدان دور بزنم و برگردم. رفتم دور زدم و برگشتم، بفهمی نفهمی راضی شدم. (مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۳۸)

۲-۱-۲- گزینش واژگانی

توجه به کاربرد لغات در جمله، ساده بودن یا مرکب بودن کلمه‌ها، کاربرد حروف اضافه، «نوع گزینش واژه با توجه به محور جانشینی، وسعت یا قلت واژگان، مترادف، نوع صفت...» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳). و مواردی از این دست در سطح واژگانی بررسی می‌شود. در آثار کودکان و نوجوانان ایران و امریکایی‌ها می‌توان کاربردهای مشابهی را دید که برخی از آن‌ها عبارتند از: کاربرد کلمات مرتبط با هم و استفاده از مهملات

گاهی نویسنده از کلماتی استفاده می‌کند که با یکدیگر ارتباط معنایی دارند. گاهی نیز از مهملات استفاده می‌کند که بیشتر در زبان گفتاری رایج است کلماتی مانند: چرت و پرت، خرت و پرت، چیز و میز و ... از این طریق هم موسیقی درونی ایجاد می‌کند و هم زبان اثر را به زبان گفتار نزدیک می‌نماید. مثلاً در قصه‌های مجید می‌خوانیم:

دست و بازو، پک و پهلوی، کمر، گردن و کت و کولم از زور خستگی خواب رفته بود و مورمور می‌کرد. زانوهایم قوت نداشت. می‌خواستم خودم را به بی‌بی برسانم و بگویم: من رفتم خانه. ولی، سر بی‌بی شلوغ بود و داشت برای عروس کفش پسند می‌کرد. ایستادم تا خلوت شود، که یک‌هو دیدم طفل و مادرش، از دور دارند می‌آیند. معطل نکردم و از دکان

کفاشی، عین تیر، زدم بیرون. میان جمعیت بازار گم و گور شدم. صدای مادر طفل را از دور شنیدم که داد می زد: مجید، مجید خان.

دو تا پا داشتیم، دو تا دیگه قرض کردم و د، فرار. تو کوچه خلوتی ایستادم و پسته‌هایی که از بچه کش رفته بودم خوردم و نرم نرمک رفتم خانه. (مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ۳-۲۲۲) در ماجراهای هاکلبری فین نیز می‌توانیم این ویژگی را ببینیم. البته ذکر این نکته ضروری است که از نظر زبانی بین انگلیسی و فارسی تفاوت‌هایی وجود دارد و نمی‌توان همه نکته‌های آوایی و واژگانی و نحوی این دو زبان را با معیارهای مشترک مقایسه کرد و از طرفی مترجم آثار ادبی مانند آثار علمی به صورت دقیق و متعهد به تک تک واژگان، ترجمه نمی‌کند و این امری طبیعی است که در ترجمه‌ی آثار ادبی می‌توان دید. در عین حال به جهت اینکه کاربرد واژگان عامیانه و کلماتی که از نظر معنایی به یکدیگر مرتبط هستند را بتوان نشان داد، متن اصلی مارک تواین و ترجمه‌ی آن از نجف دریا بندری که از بهترین ترجمه‌های هاکلبری فین است ذکر می‌شود.

“It was an awful sight of money when it was piled up. Well, Judge Thatcher, he took it and put it out at interest, and it fetched us a dollar a day apiece, all the year round— more than a body could tell what to do with. The Widow Douglas, she took me for her son, and allowed she would civilize me; but it was rough living in the house all the time, considering how dismal regular and decent the widow was in all her ways; and so when I couldn’t stand it no longer I lit it out. I got into my old rags and my sugar-hogshead again, and was free and satisfied. But Tom Sawyer he hunted me up and said he was going to start a band of robbers, and I might join if I would go back to the widow and be respectable. So I went back.”

(Twine, 1884:3)

«وقتی دلارها را یجا کُپه کردند یه عالمه پول بود. اما خوب، قاضی تاجر همه را برداشت داد به نزول، و در تمام سال هر کدام ما روزی یک دلار گیرمان می آمد. آدم نمی دانست با این همه پول چکار باید بکند. بیوه دوگلاس مرا به فرزندى خودش برداشت و گفت که مرا تربیت می‌کند، اما زندگی کردن با او مکافات بود، چون که بیوه بدجوری آبرومند بود و تمام کارهایش نظم و ترتیب داشت. من هم وقتی دیدم دیگر طاقتش را ندارم گذاشتم رفتم. باز همان لباس پاره پوره را پوشیدم و همان کلاه حصیری را گذاشتم سرم و خوش و خرم شدم. اما تام سایر آمد دنبالم، گفت خیال دارم یک دسته دزدها راه بیندازم، تو هم اگر حاضری برگردی پیش بیوه و بچه سر به راه و خوبی باشی می‌توانی بیایی توی دسته دزدها. من هم برگشتم.» (تواین، ۱۳۶۶: ۳۶-۳۵)

در قسمتی دیگر از هاگلبری فین به ترجمه دریابندری آمده است:
«گفتم: تو مگه همه اش توت و این جور چرت و پرت ها می خوری؟
گفت: چیز دیگه ای گیرم نمیداد.
جیم! مگه چند وقته تو این جزیره زندگی می کنی؟
از همون شب بعد از کشته شدن تو
چی؟ از اون وقت تا حالا؟
آره والا.
از اون روز تا حالا غیر از چرت و پرت ها چیزی نخوردی؟
نه والا، هیچی.
پس حالا خیلی گشنته. ها؟
یه خروار غذا رو راحت می خورم. تو چند وقته تو این جزیره ای؟
از همون شبی که کشته شدم» (تواین، ۱۳۶۶: ۸۰)
کاربرد کلمات عامیانه

به نظر می رسد کاربرد کلمات عامیانه در آثار مرادی کرمانی از آثار مارک تواین بیشتر باشد. مارک تواین در دنیایی زندگی می کند که اغلب مهاجر هستند و سنت ها چندان ریشه دار نیست، به همین جهت، مرادی کرمانی نسبت به مارک تواین، توجه بیشتری به سنت های بومی دارد و واژگان مرتبط با این سنت ها را در آثارش به کار گرفته است؛ اما اگر بخواهیم در باره ادبیات کودکان و نوجوانان در امریکا سخن بگوییم و آن را با ادبیات کودکان ایران مقایسه کنیم شاید نتوان داوری درستی کرد. تنها می توان گفت در آثار هر دو ملت رودروی با مخاطب و شریک کردن مخاطب در قصه اتفاق می افتد به این معنا که کلام به گفتار نزدیک می شود و به نظر می رسد نویسندگان زبان مخاطب و روبروی او نقل روایت می کند. مثلاً در قصه های مجید روایتی از عروسی را نوشته است و صدای ساز و آواز گروه موسیقی یا به قول نویسنده مزغانچی ها را با عبارات مختلف دمبول و دیمبول یا دالامب و دولومب بیان می کند:
«همین جور که داشتم حلبی رو پر می کردم، یکهو صدای ساز و دهل و دایره و دمبک از تو کوچه آمد. داشتند عروس را گلچین گلچین می آوردند تو. آینه ای گرفته بودند جلوش. دو تا جوون هم با چراغ توری جلو جلو می آمدند. مزغانچی ها خوب می زدند و قشنگ می خواندند: بادا بادا... مبارک بادا...! ان شا الله مبارک بادا... خیلی خوشم آمد. وایستادم به تماشا. جماعت هنگفتی پشت سر عروس بود. زن ها هلله می کردند و بچه ها توی دست و پا وول می خوردند. یاروی گنده ای، دو تا دستمال گرفته بود سر دستهایش و می چرخاند، می رقصید و قر و قنبیل می آمد. زنی با سینی که توش منقل کوچولویی بود جلو جلوی عروس

می رفت. اسفند می ریخت رو منقل، تو آتیش. اسفندها تق و توق می کردند و صداشون تو صدای دمیبول و دیمیبول دایره و دمیک گم می شد. رفته بودم تو بحر عروس کشان و دالامب و دولومب مزغانچی ها، نیشم تا بناگوش واشده بود که یکهو میان هیر و ویر مش اکبر هوار زد: بگیر...، بگیر جلوی یابو رو بچه!

تا آمدم به خودم بجنبم، یابو چهار نعل از جا کند. از بزن و بکوب مزغانچی ها و هلهله جماعت و نور چراغ ها هول کرد و مثل تیر دوید. گاری رو دنبالش کشاند؛ شیر بشکه باز بود. یابو رفت تو حیاط، رو قالی ها و میان صندلی ها، دوید. آب شر شر از شیر بشکه می ریخت. یابو پاک دیوانه شده بود. از ترس قوتی پیدا کرده بود که نگو؛ عینهو اسب های توی فیلم ها، دست هاش رو بلند کرد و سر پا ایستاد و شیهه کشید. مش اکبر دلیری کرد، پرید و دهنه یابو را گرفت. یابو تکانی به سر و گردنش داد و مشتکی اکبر را انداخت زمین و در رفت. مات مونده بودم که یابوی زپرتی چه زوری پیدا کرده است. دویدم دنبالش و هش هش کردم و شلنگ انداختم اما به گردش نرسیدم.» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ۳۶۰)

در هاکلبری فین نیز کلمات عامیانه و گفتاری دیده می شود:

"The nearer it got to noon that day the thicker and thicker was the wagons and horses in the streets, and more coming all the time. Families fetched their dinners with them from the country, and eat them in the wagons. There was considerable whisky drinking going on, and I seen three fights. By and by somebody sings out: "Here comes old Boggs!

—in from the country for his little old monthly drunk; here he comes, boys!"

All the loafers looked glad; I reckoned they was used to having fun out of Boggs. One of them says:

"Wonder who he's a -gwyne to chaw up this time. If he'd a

-chawed up all the men he's ben a-gwyne to chaw up in the last twenty year he'd have considerable reputation now."

Another one says, "I wisht old Boggs'd threaten me, 'cuz then I'd know I warn't gwyne to die for a thous an' year."

Boggs comes a -tearing along on his horse, whooping and yelling like an Injun, and singing out:

"Cler the track, thar. I'm on the waw -path, and the price uv coffins is a - gwyne to raise."

He was drunk, and weaving about in his saddle; he was over fifty year old, and had a very red face. Everybody yelled at him and laughed at him and sassed him, and he sassed back, and said he'd attend to them and lay them out in their regular turns, but he couldn't wait now because he'd come to town to kill old Colonel Sherburn, and his motto was, "Meat first, and spoon vittles to top off on."

:He see me, and rode up and says

"Whar'd you come f'm, boy? You prepared to die?"

Then he rode on. I was scared, but a man says:

"He don't mean nothing; he's always a - carryin' on like that when he's drunk. He's the best naturedest old fool in Arkansaw —never hurt nobody, drunk nor sober.""

(Twine: 1884: 188 – 9)

ترجمه این قسمت داستان به قلم نجف دریابندری چنین است:
 «آن روز هرچی به ظهر نزدیک تر می شد، می دیدیم گاری واسب هم توی خیابان بیشتر و بیشتر می شود و باز هم هی می آید. خانواده ها از روستاها ناهارشان را با خودشان می آوردند و توگاری می خوردند. ویسکی زیادی هم خورده می شد من سه تا دعوا هم دیدم آخرش یک نفر داد زد: بچه ها باگزر اومد. داره از ده میاد عرق ماهیانشو بخوره.
 همه ی ولگرد ها نیششان باز شد گفتم لابد این ها سر به سر باگزر می گذارند و کیف می کنند یکی از ولگردها گفت:

این دفعه دیگه کیو می خواد لت و پارکنه؟ تو این بیست ساله اگه همه ی آدم هایی رو که خودش می گه راست راستی لت و پار کرده بود، تا حالا کلی اسم در کرده بود. یکی دیگر گفت: خیلی دلم می خواست باگزر می آمد سراغ من. چون می دونم تا هزار سال دیگه اسمم زنده می موند.

باگزر با اسبش از راه رسید و مثل سرخ پوست ها های و هوی کرد و گفت: رد شین! برین کنار من اومدم الان از کشته پشته می سازم. مست بود و روی زمین لنگر برمی داشت، بیشتر از پنجاه سال داشت. صورتش سرخ سرخ بود همه برایش هو کشیدن و خندیدن و لیچار گفتند، او هم لیچارها را پس داد و گفت به موقع اش حساب یکی یکی تان را می رسم، ولی الان وقت ندارم چون آمده ام شهر که سرهنگ شربورن را بکشم و شعار من هم این است اول گوشت دوم یه ملاقه آبگوشت.
 مرا که دید جلو آمد و گفت :

تو از کجا آمده ای پسر؟ اشهد تو گفتی؟
 بعد از اسبش را هی کرد و رفت. من ترسیدم ولی یک نفر گفت:
 منظوری نداره، همیشه مست که می کنه از این بازیا در میاره؛ از خودش خوش قلب
 تر، آدم تو مملکت آرکانزا پیدا نمیشه؛ هیچ وقت آزارش به کسی نمی رسه، چه مست
 باشه چه هوشیار.» (تواین، ۱۳۶۶: ۲۵۷ - ۲۵۶)

۲-۱-۳- ویژگی‌های نحوی

در بررسی یک اثر ادبی از نظر نحوی بیشتر به کیفیت جمله توجه می شود و چگونگی استفاده از واژگان، با توجه به محورهای جانشینی و همنشینی مورد مطالعه قرار می گیرد. «باید توجه داشت که نمی توان فهرست دقیق و کاملی از همه‌ی موارد را پیش چشم داشت و در اثر به دنبال یکایک آن‌ها گشت. هر اثر به مقتضای طبیعت و نوع خود توجه و دقت مخصوصی را ایجاب می کند.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۶) با وجود این در بررسی تطبیقی سطح نحوی در ادبیات نوجوانان امریکایی و ایرانی می توان موارد زیر را دید. صدای دستوری فعال

در آثار مورد مطالعه ما عموماً صدای دستوری فعال دیده می شود. حتی می‌توانیم این ویژگی سبکی را به اکثر آثار کودکان و نوجوانان در ادبیات انگلیسی- امریکایی و فارسی ایران تعمیم دهیم. «وقتی مبتدا کنش گر باشد یعنی عملی را انجام دهد یا عامل کاری باشد، صدای فعال به وجود می آید، این صدا از آن رو فعال نامیده می شود که عملی از جانب فاعل به عنوان اصلی‌ترین بخش جمله صورت می‌پذیرد و در کلام بسط پیدا می‌کند. متنی که دارای بسامد بالایی از جملات معلوم باشد، صدای فعال دارد.» (فتوحی به نقل از کلیمن، ۱۹۹۱: ۳). مانند جمله‌های زیر در قصه‌های مجید: «بی‌بی نشسته بود و گریه می‌کرد.» (ص ۴۳۵) «ناظم تو خیاط بود و با ترکه کذایی‌اش میان بچه‌ها می‌پلکید.» (ص ۴۳۶) «بی‌بی چادرش را کشید روی صورتش و آبغوره می‌گرفت.» (ص ۴۳۸) «مهمان، کبری خیاط بود. دوست بی‌بی. آمد تو. داشت با بی‌بی حرف می‌زد. تند و تند حرف می‌زد و خبر مهمی را می‌داد.» (ص ۴۴۲). و جمله‌هایی همانند آنچه در قصه‌های مجید وجود دارد در ماجراهای تام سایر نیز می‌بینیم: «کشیش سرش را با چشم‌های گریه آلودش از دستمال بلند کرد و مات و مبهوت به جا ماند.» (ص ۱۵۲) «تشییع جنازه خیلی جالب بود. اعضای حلقه چنان رژه رفتند، مثل آنکه می‌خواستند آن عضو استعفا داده را از زور حسودی بکشند.» (ص ۱۸۶). حتی در اثری همچون غار ارواح از کریستوفر پائولینی که توسط آرمان دیانت مهر ترجمه شده است، می‌خوانیم: «سفیرا روی دشت‌ها پرواز می‌کرد. روی منجنیق‌ها با سرپرست‌های فدایی‌شان، روی انبوه متراکم کمانداران

با پیکان‌هایشان که مانند دسته‌نی‌های سفید در مقابل آنها روی زمین بود.» (ص ۵۵۳)
استفاده از فعل‌های وصفی

در قصه‌های مجید استفاده از فعل‌های وصفی را مشاهده می‌کنیم و همین اتفاق در ترجمه‌های آثار مارک تواین نیز دیده می‌شود که گویای وجود زبانی خاص در نوشتار قصه‌های مارک تواین به زبان انگلیسی است. زبان انگلیسی امریکایی فخامت و استواری انگلیسی بریتانیا را ندارد و مارک تواین توانسته است با ایجاد زبانی روان و دلچسب، مخاطب را راضی کند. نمونه‌هایی از کاربرد افعال وصفی را در عبارات زیر می‌بینیم.

«بی بی باور کن هیچ اتفاقی نیفتاده.

بی بی لبش را از نی قلیان برداشت. صدای کر کر قلیان وانشست. آرام و با التماس گفت: نکنه بلایی سر دایات اومده؟ تو خبر شدی و به من نمی‌گی.

بگو! راحت‌کن.

بی بی به جان خودت دایی چیزیش نشده.

گفت :

تو با این کارات نمی‌دونی چی به روز من میاری. دلم هزار راه می‌ره. فکر و خیال راحت نمی‌کنه!» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ۷-۴۵۶)

و در تام سایر با ترجمه پرویز داریوش می‌خوانیم

«خوب دیگه دستشو توی تنه یک درخت پوسیده که آب بارون توش جمع شده بود، فرو کرده.

وسط روز؟

معلومه.

صورتشم به طرف تنه درخت بوده؟

آره . لابد اینجور بوده.

چیزی هم گفته؟

خیال نمی‌کنم چیزی گفته باشه. نمی‌دونم .

آها! اونوقت خیالت رسیده با این با این ترتیب قلابی می‌شه زگیل رو خوب کرد؟

زکی! این که فایده‌ای نداره. باید تک و تنها بری وسط جنگل، یه جایی که بدونی تنه‌ی

درخت آب بارون دار هست. اون وقت درست نصف شب که شد به طرف تنه‌ی درخت

بری و دستتو توی آب فرو کنی و بعد بگی

آب جو ، آب جو ، آتش ارزن پر

آب بارون ، آب بارون ، زگیل‌ها رو بخور.» (تواین، ۱۳۸۲: ۵۹)

فراوانی افعال ماضی ساده

در آثار مورد مطالعه ما، راوی به نقل وقایعی می‌پردازد که یا برای خودش اتفاق افتاده است و یا برای دوستانش. در حقیقت ما روایت زمانی نه چندان دور را می‌خوانیم. به همین دلیل با فراوانی افعال ماضی ساده روبرو می‌شویم. در قصه‌های مجید می‌خوانیم: «چند وقت پیش رفتیم خونه خواهرم. از وقتی نشستیم، خواهرم یه دقیقه آروم ننشست. هی رفت تو آشپزخونه، هی رفت تو این اتاق و رفت تو اون اتاق. شربت آورد. چایی آورد. شیرینی آورد. دست آخر هم چادرش رو انداخت سرش و یهو غیب شد. رفت انگور خرید و آورد. دیگه کفرم بالا اومد. گفتم: خواهر ما که نیومدیم اینجا شکمی از عزا دربیاریم. نخورده شیرینی و میوه نیستیم. بعد رو کردم به دکتر که: پاشو بریم. خلاصه، با دل پر از در خونشون اومدیم بیرون.» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ۴۴۳) در تام سایر هم آمده است:

«دو هفته تمام مثل حبسی‌ها افتاده بود و مثل مرده از دنیا و اتفاقات اون بی خبر بود. خیلی حالش بد بود. به هیچ چیز توجهی نداشت. وقتی آخرش از جاش بلند شد و با ضعف توی شهر راه افتاد، تغییر غمزده‌ای در همه چیز و همه کس رخ داده بود. در مدت ناخوشی تام تعزیه‌ای داده بودند و همه درد مذهب گرفته بودند. نه فقط بزرگ‌ها بلکه دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها هم گرفتار شده بودند. تام همینجور می‌گشت و امیدوار بود به یک صورت گنهکار دوست بربخورد.» (تواین، ۱۳۸۲: ۱۸۷) طول جمله‌ها

خزاعی فرید در تحقیقی می‌نویسد: «با تحلیل داده‌های مربوط به میانگین طول جملات در رمان‌های فارسی کلاسیک و مدرن، درمی‌یابیم میانگین طول جمله در رمان‌های مدرن معاصر، حدوداً ۵/۰ واژه بیشتر از رمان‌های کلاسیک است» او در ادامه بحث خود با آوردن چند نمونه به نظریات برخی صاحب نظران اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «مونا بیکر، یکی از ویژگی‌های مهم سبکی را «طول جملات» می‌داند. وی بر این باور است که مقایسه و بررسی تطبیقی طول جملات در متون تالیفی یا ترجمه شده، به شناسایی ویژگی‌های سبکی یک نویسنده یا مترجم کمک می‌کند. به عقیده مونا بیکر، کاربرد روش‌های آماری ساده همچون محاسبه فراوانی و میانگین به ما امکان می‌دهد تا طول جملات تعداد واژگان به کار رفته در آنها را محاسبه نماییم» (خزاعی فرید، ۱۳۸۹: ۵۶). از آنجا که مطالعه ما متمرکز بر مقایسه تطبیقی آثار مارک تواین و مرادی کرمانی از دو سرزمین و زبان مختلف است، نمی‌توانیم قضاوتی کلی در باره همه آثار ادبی کودکان و نوجوانان انگلیسی آمریکایی و فارسی زبانان ایران داشته باشیم. اما با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که طول جمله‌ها در آثار ادبی کودکان به مراتب کوتاه‌تر از آثار بزرگسالان

است و این نیز طبیعی به نظر می‌رسد که در آثار نوجوانان حد وسط میان دو گروه کودک و بزرگسال را شاهد باشیم. تناسب استفاده از زبان گفتار و زبان معیار در ساخت جمله یکی از ویژگی‌های نحوی که در نوشته‌های مارک تواین و مرادی کرمانی مورد توجه قرار می‌گیرد این است که استفاده از زبان گفتاری وقتی اتفاق می‌افتد که جمله‌ها از زبان شخصیت‌های قصه نقل می‌شود و در این میان گاه خود نویسندگان نیز جزو همین شخصیت‌ها قرار می‌گیرد؛ در این زمان از جمله‌های کوتاه استفاده می‌شود؛ اما وقتی نویسندگان نقش علام و دانای کل دارد و راوی قصه است از زبان معیار، ساختار روایی و جمله‌های بلند توضیحی و توصیفی استفاده می‌کند.

کاربرد نام آواها، مخاطب قرار دادن خواننده، پرسش‌گری، استفاده از زبان کوچه و بازار، بهره‌گیری از ضرب‌المثل‌ها، کلمات عامیانه و ... برای ایجاد ارتباطی صمیمی با مخاطب در هر دو گروه مورد مطالعه این پژوهش دیده می‌شود. نمونه‌هایی از آثار مارک تواین و مرادی کرمانی را می‌خوانیم.

Then they waited in silence for what seemed a long time. The hooting of a distant owl was all the sound that troubled the dead stillness. Tom's reflections grew oppressive. He must force some talk. So he said in a whisper: "Hucky, do you believe the dead people like it for us to be here?"

Huckleberry whispered:

"I wisht I knowed. It's awful solemn like, ain't it"

There was a considerable pause, while the boys canvassed this matter inwardly. Then"

Tom whispered:

"Say, Hucky —do you reckon Hoss Williams hears us talking"?

"O' course he does. Least his sperrit does".

Tom, after a pause:

"I wish I'd said Mister Williams. But I never meant any harm. Everybody calls him Hoss"

"A body can't be too partic'lar how they talk 'bout these -yer dead people, Tom"

This was a damper, and conversation died again.

Presently Tom seized his comrade's arm and said:

"Sh"!

"What is it, Tom?" And the two clung together with beating hearts.

"Sh! There 'tis again! Didn't you hear it?" (Twine, 1879:89)

در قصه های مجید می خوانیم:
«سلام! بیا بالا.

رفتم تو چیپ. رو صندلی عقب نشستم. آقای اقدسی گفت :
خونه تون کجاست؟

آقا خودمون پیاده می رفتیم . راضی به زحمت شما نبودیم.
گفتم خونه تون کجاست؟

شما رو به خدا پیاده ام کنین . من حالا نمی خوام برم خونه . می خوام راه برم ؛ فکر
کنم، هوای آزاد بخورم.

مگه نمی خوای بری اردو؟
خوشحال شدم ، گفتم :

اگر می خواین منو ببرین اردو ، چرا نشونی خونه مون رو می خواین؟ بریم اردو .
می خواهیم نظر مادر بزرگتو بپرسیم . ببینیم اجازه می ده یا نه؟

نشانی خانه مان را دادم. چیپ دور زد. رفتیم طرف خانه. کوچه مان تنگ بود و چیپ
نمی‌توانست تا دم خانه بیاید. من و آقای اقدسی، سر خیابان پیاده شدیم. رفتیم تو کوچه.
کوچه دراز و پیچ و واپیچ بود و من دلم می‌خواست کوچه کوتاه بود و زود می‌رسیدیم.
سر هر پیچ از آقا عذر خواهی می‌کردم و خجالت می‌کشیدم که هی می‌پیچاندمش تو
این کوچه و آن کوچه . انگار خودم آن کوچه‌های تنگ و باریک و دراز را ساخته بودم.
جلو جلو می‌دویدم و می‌گفتم: ببخشین، الان می‌رسیم. وقت شما هم گرفته شد. بالاخره
رسیدیم در خانه. در بسته بود. در زدم. هیچکس در را باز نکرد. بی بی خانه نبود ...»
(مرادی کرمانی، ۱۳۸۱: ۴۹۷)

۲-۲- سطح فکری:

در باره سطح فکری در آثار ادبی، سیروس شمیسا می‌نویسد: «باید به مغلطه‌ی
قصد (intentional fallacy) که ویمسات (wimsatt) و بردسلی (Beardsly) اشاره کرده‌اند،
توجه داشت. گاهی خود نویسنده یا شاعر قصد خود را از اثر توضیح می‌دهد، حال آنکه
اثر مورد بررسی در راستای چنان هدفی نیست.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۸) او همچنین
به لایه بیرونی و درونی اثر نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «زبان‌شناسان در بررسی
سبک‌شناسانه معمولاً به سطح فکری توجه ندارند.» (همان) با وجود این، به جهت
این که قصد این پژوهش بررسی تطبیقی بوده است، با توجه به هدف نویسندگان و
لایه های درونی و بیرونی آثار ادبی کودکان و نوجوانان، سطح فکری این آثار با
نگاهی به نظریه های زبان‌شناسی و ساختار‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است.

بررسی ساختاری، مختصات زبانی، ویژگی‌ها و ارزش ادبی هنری آثارمخصوص کودکان و نوجوانان و تحلیل درون مایه و محتوای آنها، علاوه بر شناخت فرهنگی و ارائه اطلاعات جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسی، درکی زبان شناختی و نشانه شناختی از ساختار ذهن و زبان کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند. از آنجا که نظام‌های نشانه‌ای به کاررفته در ساختار آثار ادبی کودکان و نوجوانان در کلیت با ساختار آثار ادبی بزرگسالان تفاوت ماهوی ندارد، می‌توان از نشانه‌شناسی و مطالعات زبانشناختی برای درک معنا و تحلیل محتوا در ادبیات کودکان بهره گرفت. تری ایگلتون می‌نویسد: «هر متن ادبی از چندین «نظام» ساخته می‌شود (واژگانی، نوشتاری، وزنی، واجی و نظایر آن) و از طریق برخورددها و تنش‌های مداوم میان این نظام‌هاست که مفهوم پیدا می‌کند. هریک از این نظام‌ها نمایشگر «هنجاری» است که نظام‌های دیگر از آن منحرف می‌شوند، و مجموعه انتظاراتی پدید می‌آورد که نظام‌های دیگر از آن تخطی می‌کنند.» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۴۰)

به این ترتیب نظام نوشتاری و واژگانی می‌تواند ما را برای رسیدن به معنا کمک کند. از طرفی بخوبی می‌دانیم هیچ اثر ادبی در خلاء فرهنگی زاده نمی‌شود لذا تاثیر محیط و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آثار ادبی کودکان همچون آثار بزرگسالان نمود پیدا می‌کند، اما چنان که اشاره کرده‌ایم، اثرپذیری کودکان از مسائل سیاسی و اجتماعی به اندازه بزرگسالان نیست. زبان آثار ادبی کودکان در امریکا از قرن هفدهم تا امروز تغییراتی داشته است و چنان که می‌دانیم از ساختار زبانی تعلیمی و اخلاقی به زبانی ادبی تغییر یافته است. تحولات اجتماعی و تغییر باور عمومی مردم امریکا از نیمه دوم قرن هفدهم تا امروز در آثار ادبی کودکان و نوجوانان به موازات آثار بزرگسالان نمایان است. اعتقاد به اینکه سرنوشت انسان به دست خدا است و همه انسان‌ها گناهکارند و باید بوسیله «مسیح» نجات یابند، استقلال یافتن امریکا، جنگ‌های داخلی و لغو برده‌داری، تعالی‌گرایی و ضدیت با آن، رواج تفکرات فلسفی مختلف، رفاه اجتماعی و ... از مواردی است که به شکل‌های مختلف در آثار ادبی دیده می‌شود. (نک: فرهنگ دنبیلید) در ایران نیز شاهد تحول و تغییر بوده‌ایم؛ دوره‌های جست و جوی هویت و امنیت، آرمان‌خواهی و تبلیغ، شکست و گریز، بیداری، به خود آیی و شور و التهاب بعد از انقلاب (نک: میرعبدینی، ۱۳۸۷)، هر کدام به گونه‌ای آثار ادبی کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

بنابراین اگر بخواهیم به بررسی تطبیقی سطح فکری آثار ادبی کودکان انگلیسی‌امریکایی و آثار فارسی در ایران بپردازیم ناگزیر باید هر دوره را جداگانه مطالعه کنیم اما اگر بخواهیم قضایای کلی در این باره انجام دهیم می‌توانیم بگوییم در هر دو گروه مورد مطالعه، توجه به تربیت کودکان وجود دارد و بخش قابل توجهی از آثار کودکان و نوجوانان در دو سرزمین

ایران و آمریکا از نوع ادبیات تعلیمی است. به عنوان نمونه در ادبیات نوجوانانِ آمریکا می‌توان کتاب زیر نور ماه شیشه‌ای که در باره عواقب اعتیاد است و توسط ژاکلین وودسون (Jacqueline Woodson) نویسندهٔ آمریکایی نوشته و توسط کیوان عبیدی آشتیانی ترجمه شده است، را نام برد. در این داستان لورل دانو مادر و مادر بزرگش را در توفان کاترینا از دست می‌دهد و سعی می‌کند راهی برای فائق آمدن بر دردهایش پیدا کند. او برای مدت کوتاهی در دستهٔ تشویق‌کننده‌های تیم بسکتبال مدرسه قرار می‌گیرد و دوست تازه‌ای پیدا می‌کند. اما با وجود موفقیت در تیم و پیدا کردن دوستی خوب، خاطرات رهایش نمی‌کنند. او را به مواد مخدر روی می‌آورد و خیلی زود گرفتار طلسم ماده‌ای به نام ماه می‌شود. ماه فراموشی می‌آورد و لورل می‌تواند خاطرات دردناک را فراموش کند. اما خیلی زود همه چیز نابود می‌شود. در ادبیات نوجوانان ایران داستان زیبا صدایم کن نیز با موضوع اعتیاد و با هدف آگاهی و بازدارندگی توسط فرهاد حسن زاده نوشته شده است و مانند کتاب زیر نور ماه شیشه‌ای در زمره ادبیات تعلیمی نوجوانان قرار می‌گیرد. زیبای کتاب زیبا صدایم کن دختر پانزده ساله‌ای است که در موسسه‌ای زیر نظر بهزیستی زندگی می‌کند. مادر معتادش ازدواج کرده و پدرش به سبب بیماری روانی در آسایشگاه بیماران روانی بستری است. زیبا در روز تولدش به پدر کمک می‌کند تا از آسایشگاه فرار کند. پدر موتور یکی از کارکنان آسایشگاه را می‌دزد تا با هم به گردش بروند و تولد زیبا را جشن بگیرند. زیبا به زودی از همدستی با پدرش پشیمان می‌شود. پدر تعادل روانی ندارد هر لحظه به حالی درمی‌آید؛ گاهی خوب است و گاهی بد و گاهی دچار جنون و گاهی دچار توهم می‌شود. سرانجام زیبا با همکاری نیروی بیمارستان پدر را به بیمارستان برمی‌گرداند و تولدش را با کسانی که در کنارشان امنیت دارد جشن می‌گیرد. چنان که ملاحظه شد هر دو داستان در سبک رئالیسم اجتماعی قابل بررسی هستند. در سطح فکری می‌توان گفت در ادبیات کودکان هر دو سرزمین، آثار رئالیست و رومانستیک نسبت به سایر مکتب‌های ادبی از فراوانی بیشتری برخوردارند. موضوعات اجتماعی برای نوجوانان و مطالبی در خصوص شناخت محیط و جهان پیرامون برای کودکان، هم در ادبیات ایران و هم آمریکا کاملاً مشهود است. ناگفته پیداست، کتاب‌های ترجمه‌ای منتشر شده در ایران به مراتب از آمریکا بیشتر است و همین مسئله باعث شده است تا ادبیات کودکان ایران از موضوعات و محتوای آثار جهان تاثیر بگیرد. ۲-۳- سطح ادبی بانگاهی به ادبیات کودکان در آمریکا در می‌یابیم که «تا پیش از سال ۱۸۵۰ کتاب‌های کودکان بیشتر بر پایه موعظه و تعلیم شکل می‌گرفت و بر اساس ارزش‌های غیر ادبی داوری و نقد می‌شد و با انتشار آلیس در سرزمین عجایب، اثر لویی کارول در سال ۱۸۶۵ این رویه بر هم خورد.» (میلز، ۱۳۷۹: ۶۲) این بدان معنی است که زبان آثار ادبی

کودکان از ساختاری آمرانه و نصیحت گونه به زبانی فاقد امر و نهی و ادبی تغییر یافت. در پی توجه به سطح ادبی آثار کودکان و نوجوانان، آراستگی و پیراستگی این آثار رونق گرفت و متناسب با میزان درک و توانایی مخاطب به کار گرفته شد، به این معنی که در آثار کودکان خردسال که توانایی درک برخی نکته های بلاغی (معانی، بیان و بدیع) همچون آرایه های معنوی را ندارند، استفاده از این نکته های ادبی اتفاق نمی افتد ولی در آثار نوجوانان که سن آنها، ایجاب می کند تا به حل معادلات و مسائل پیچیده علاقه نشان دهند، نکته های بدیعی و انواع آرایه های لفظی و معنوی کاربرد دارد. این اتفاق در آثار ادبی کودکان و نوجوانان ایران و هر جای دیگر جهان مشهود است. نگاهی به داستان به زیرزمین نزدیک نشو از رابرت لارنس استاین (Robert Lawrence Stine) نشان می دهد که در این کتاب زبان نوشتاری، بسیار ساده و فاقد استعاره، رمز و یا هر نوع پیچیدگی کلامی است. ساختار روایی و توصیف های ساده برای تصویر سازی از مهم ترین ویژگی های ادبی این اثر محسوب می شود. در قسمتی از این داستان می خوانیم: آقای مارتینز هوا را بو کشید و گفت: «چند وقت پیش گفته بودم که بهت سر می زنم تا پیشرفت کارت رو ببینم. ولینگتون منو با ماشینش رسوند. ماشین خودم تو تعمیرگاه». دکتر بروار با قیافه ای ناراحت و معذب گفت: «راستش من آمادگی ندارم. حتی مارگارت هم از نقطه مناسبی که پشت سر پدرش ایستاده بود می توانست ناراحتی او را تشخیص بدهد. دکتر بروار ادامه داد: «من انتظار آمدن کسی رو نداشتم... یعنی وقت مناسبی نیست». آقای مارتینز برای آرام کردن دکتر بروار دستش را روی شانه او گذاشت و گفت: «مهم نیست. من فقط یک نگاه کوتاه می اندازم. خودت که میدونی، من همیشه به کاری که تو می کنی، خیلی علاقه مند بودم. این رو هم می دونی که من نمی خواستم تو از دانشگاه بری. هیأت رئیسه منو مجبور کرد. چاره ای برام باقی نگذاشتند. اما من از تو دست نمی کشم؛ بهت قول می دم. خیلی خب دیگه بگذار ببینم چه پیشرفت هایی کردی» دکتر بروار نمی توانست نا رضایتی اش را از حضور ناگهانی آقای مارتینز پنهان کند. با اخم و تخم سعی کرد جلو پله های زیرزمین بایستد و راه او را سد کند دست کم به نظر مارگارت که کنار برادرش ایستاده بود این طور می آمد در آثار ادبی کودکان در ایران نیز این زبان روایی، به عنوان یک ویژگی مشابه دیده می شود. در کتاب جمشید شاه می خوانیم:

وقتی همه مردم و گله ها و پرنده ها شادان به سوی زمین های تازه رفتند و جمشید شاه خسته و تنه ا به قصرش برگشت و روی تختش افتاد. مثل اینکه سال ها پیر شده بود. هرگز اینقدر خسته نشده بود، اما دلش شاد بود. بگذار او خسته و پیر شود اما مردم شاد و خوشحال باشند.

طرف‌های عصر رفت به سر بام، به دوردست نگاه کرد. کوه‌ها خیلی دور شده بودند و گله‌ها هنوز به ته دنیا نرسیده بودند. احساس کرد دلش برای مردم، گله‌ها، سگ‌ها و پرنده‌ها تنگ شده، خواست به چلچله‌ها بگوید تا بروند و آن‌ها را خبر کنند که برگردند. اما فکر کرد: نه، بهتر است او تنها بماند و گله‌هایش خوب بچرند. زمین بزرگ شده بود و دو روز طول می‌کشید تا گله‌ها به ته زمین برسند و برگردند. ناچار جمشید بالای قصرش نشست و به دوردستها، به آنجا که گله‌ها و مردم در سایه کوه‌ها گم شده بودند. نگاه کرد و بعد به چلچله‌ها که دور و برش روی بام نشسته بودند و با هم جیک جیک می‌کردند، گفت: « بروید به مردم بگویید فردا صبح که آفتاب بالا آمد با گله‌هایشان راه بیفتند و برگردند تا عصر به اینجا برسند» اما در ماجراهای تام سایر و هاکلبری فین مارک تواین و یا قصه‌های مجید مرادی کرمانی که بخش‌های مختلفی از آن‌ها نقل شد، می‌توان به وضوح آرایه‌های مختلف ادبی را مشاهده کرد. برخی از ویژگی‌های ادبی که در ادبیات کودکان و نوجوانان انگلیسی-امریکایی و ایرانی مشاهده می‌شود در ذیل مبحث سطح زبانی و برخی دیگر در مبحث سطح فکری اشاره شده است که برای پرهیز از تکرار به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. تنها به اجمال اشاره می‌شود که، هم آوایی واژگان که تحت عنوان واج آرایی، جناس و تکرار، به گزینی و توجه به ارتباط معنایی کلمات که با عنوان مراعات النظیر، استفاده از تلمیح و یا تضمین و ... از مواردی است که می‌توانیم در آثار نویسندگان ایرانی و یا ترجمه آثار انگلیسی-امریکایی مشاهده کنیم. در پایان یاد آور می‌شود، بررسی تطبیقی ادبیات کودکان انگلیسی-امریکایی و فارسی ایرانی به صورتی همه جانبه، می‌تواند بحثی دراز دامن باشد و اگر بخواهد دقیق و کامل انجام شود، قطعاً باید پژوهشگر تسلط کافی به هر دو زبان داشته باشد. ضمناً امکان بررسی سطح فکری و تا حدودی سطح زبانی در چنین پژوهشی به مراتب راحت‌تر از بررسی سطح ادبی خواهد بود چرا که استفاده از آرایه‌های ادبی در دو زبان مختلفی که تفاوت‌های ساختمانی و زبانی در آن‌ها زیاد است، به راحتی ممکن نخواهد بود.

۳- نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد آثار ادبی کودکان و نوجوان در ادبیات انگلیسی-امریکایی و ادبیات فارسی نشانه‌های زبانی مشترکی دارند و به طور خاص در آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی به صورت شاخصه‌های سبکی همسان دیده می‌شود که می‌تواند به عنوان الگویی برای تحلیل و شناخت بهتر آثار ادبی کودکان به کار رود. زبان نوشتاری آثار کودکان، بسیار ساده و فاقد استعاره، رمز و یا هر نوع پیچیدگی کلامی است. ساختار روایی و توصیف‌های ساده برای تصویر سازی از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی این آثار محسوب

می‌شود. صدای دستوری فعال، تناسب استفاده از زبان گفتار و زبان معیار در ساخت جمله، استفاده از فعل‌های وصفی و کاربرد فراوان افعال ماضی از ویژگی‌های نحوی مشهود در آثار مورد مطالعه ماست. کاربرد کلمات مرتبط با هم، استفاده از مهملات و به کارگیری عبارات و اصطلاحات عامیانه نیز در سطح واژگانی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد مطالعه دقیق‌تر و گسترش جامعه آماری تحقیق، شامل آثار ادبیات کودکان و نوجوانان از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند وجود یک زبان بلاغی مشترک در ادبیات جهانی کودکان را به طور قطعی اثبات کند. با وجودی که ویژگی‌های هر زبان، امکانات خاصی در اختیار نویسندگان آن زبان قرار می‌دهد و هر نویسنده‌ای با بهره‌گیری از این امکانات و با تکیه بر توانش زبانی خود به انتقال اندیشه اش می‌پردازد، اما این تحقیق نشان داد که سه سطح زبانی، ادبی و فکری به عنوان لایه‌های سبکی مشترک در ادبیات کودکان، ما را در شناخت و تحلیل آثار مکتوب این شاخه از ادبیات کمک می‌کند و برای درک اجزا و عناصر مختلف داستانی، شخصیت‌ها، روابط قهرمان با شخصیت‌های قصه و رازهای مشترک نهفته در داستان‌ها و سایر متون نوشتاری ادبیات کودکان و نوجوانان کمک خواهد کرد.

منابع

- ۱- استاین، رابرت لارنس. (۱۳۸۹). به زیر زمین نزدیک نشو، ترجمه‌ی شهره نور صالحی، چاپ دوم، تهران: پیدایش.
- ۲- امین مقدّسی، ابوالحسن. (۱۳۸۶). ادبیّات تطبیقی (با تکیه بر مقارنه‌ی ملک الشعراء بهار و امیرالشعراء شوقی)، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- پائولینی، کریستوفر. (بی‌تا). غار ارواح، ترجمه‌ی فرزانه مظفریان، نشر الکترونیکی گروه رهگذران : <http://rahgozaran.us>
- ۴- پراور، زیگبرت سالمن. (۱۳۹۳). درآمدی بر ادبیّات تطبیقی، (ترجمه‌ی علی انوشیروانی و مصطفی حسینی)، تهران: سمت.
- ۵- تواین، مارک. (۱۳۵۳). شاهزاده و گدا، ترجمه‌ی محمد قاضی، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های چیبی با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
- ۶- تام ساینر، ترجمه‌ی پرویز داریوش، چاپ نخست، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۷- زندگی من، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- ۸- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۴). ادبیّات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

- ۹- رماک، هنری. (۱۳۹۱). «تعریف و عملکرد ادبیات تطبیقی». ترجمه‌ی فرزانه علوی‌زاده، مجله ادبیات تطبیقی ۳/۲ (پاییز و زمستان)، پیاپی ۶، صص ۷۳-۵۴.
- ۱۰- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۰). صدای خط خوردن مشق، چاپ اول، تهران: معین.
- ۱۱- ----- (۱۳۸۵). از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)، چاپ اول، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۲- شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۰). ادبیات کودکان، چاپ پانزدهم، تهران: اطلاعات.
- ۱۳- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- ۱۴- شورل، ایو. (۱۳۸۶). ادبیات تطبیقی، ترجمه‌ی طهمورث ساجدی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- غنیمی هلال، محمد. (۱۳۹۰). ادبیات تطبیقی؛ ترجمه‌ی مرتضی آیت‌الله زاده‌ی شیرازی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- ۱۷- فیضی، کریم. (۱۳۸۸). هوشنگ دوم، چاپ اول، تهران: اطلاعات.
- ۱۸- قزل‌ایغ، ثریا. (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- ۱۹- کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی، پژوهشی در باب نظریه‌ی ادبیات و شعر روایی، ترجمه‌ی حسین سیدی. مشهد: به نشر.
- ۲۰- گیار، ماریوس فرانسوا. (۱۳۷۴). ادبیات تطبیقی، ترجمه و تکمله‌ی علی اکبر خان محمدی، تهران: پاژنگ.
- ۲۱- محمدی، ابراهیم. (۱۳۸۸). مبانی نظری ادبیات تطبیقی؛ بیرجند: قهستان.
- ۲۲- محمدسعید، جمال‌الدین. (۱۳۸۹). ادبیات تطبیقی؛ ترجمه‌ی سعید حسام‌پور و ...، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۲۳- محمدی، محمد هادی و قایینی، زهره. (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد پنجم، تهران: چیستا.
- ۲۴- مرادی کرمانی، هوشنگ. (۱۳۸۶). شما که غریبه نیستید، چاپ هفتم، تهران: معین.
- ۲۵- ----- (۱۳۸۸). قصه‌های مجید، چاپ بیست و یکم، تهران: معین.
- ۲۶- ملک‌یاری، مسعود. (۱۳۸۷). مک‌پک دونده. تارنمای شخصی (مقاله: جریان

سوم، آسیب‌شناسی مبنا در نقد و نظریه ادبیات کودک و نوجوان ایران و تغییر الگوهای داستانی (بازنگری ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷). <http://makpak.blogfa.com/pos/44>.

۲۷- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). **عناصر داستان**، چاپ پنجم، تهران: سخن

۲۸- میر عابدینی، حسن. (۱۳۸۷). **صد سال داستان نویسی در ایران**، چهار جلد، چاپ پنجم، تهران: چشمه

۲۹- میلز، کالین. (۱۳۷۹). مقاله «کتاب‌های کودکان خردسال»، ترجمه‌ی نیلوفر مهدیان، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۳، تهران

۳۰- ندا، طه. (۱۳۸۰). **ادبیات تطبیقی**، ترجمه‌ی زهرا خسروی، تهران: فرزانه روز.

۳۱- ----- (۱۳۸۳). **ادبیات تطبیقی**، ترجمه‌ی هادی نظری منظم، تهران: نی.

۳۲- نصیری دهقان، مهدی. (۱۳۹۱). **طنز و رمز**، چاپ اول، بی جا: ابتکار دانش.

۳۳- هاشمی نسب، صدیقه. (۱۳۷۱). **کودکان و ادبیات رسمی ایران**، چاپ اول،

تهران: سروش

۳۴- هانت، پیت. (۱۳۷۵). «**تعریف ادبیات کودک**»، ترجمه‌ی حسین ابراهیمی (الوند)،

پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۶، صص ۲۳-۱۸

۳۵- ----- (۱۳۸۲). مقاله‌ی «نقد ادبی و نظریه در ادبیات کودک»، ترجمه‌ی

شهرام اقبال زاده (رازآور)، کتاب ماه کودک و نوجوان، بهمن ماه ۱۳۸۲، صص ۱۷۷ و ۱۷۸

۳۶- ----- (۱۳۸۱). مقاله «فلسفه و عمل: ادبیات کودک و نظریه آن

در بریتانیا»، ترجمه طاهره آدینه پور، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۹،

صص ۳۹-۴۷

منابع لاتین:

1- Hunt, Peter (2001). **Children's literature** (st ed). Oxford: Blackwell. ISBN 978

0-631-2114-9.

2- ----- (editor) (1996). **International Companion Encyclopedia of**

Children's Literature. Taylor & Francis. ISBN 978-0-203-168127-7

3- ----- (1995). **Poetics and Practicality: Children's Literature and Theory**

Britain, The Lion and the Unicorn, 1 (19) , 41-49.

4- ----- (ed) (1982). **Children's Literature Research in Britain**, Cardiff:

University of Wales Institute of Science and Technology.

5- Kimberley, Reynolds (2011). **Children's Literature: A Very Short Introduction**,

New York, Oxford University Press.

6- Locke, John (1991). **A Letter Concerning Toleration** Routledge, New York.

7- Twin, Mark (1876). **The adventures of tom sawyer**. My edition was created and published by Global Grey at 2018 in: globalgreyebooks.com.

8- ----- (1884). **The adventures of Huckleberry Finn**. My edition was created and published by Global Grey at 2018 in: globalgreyebooks.com.